



زیباکلام دوباره مجرم شناخته شد

سخنگوی هیئت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی گفت: «دادگاه رسیدگی به پرونده‌های محمدرضا ساعدی، مدیرمسئول روزنامه «جهان صنعت» و صادق زیباکلام روز دوشنبه، هفتم خردادماه با حضور اعضای هیئت منصفه در شعبه یک دادگاه کیفری برگزار شد.» ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، اکبر نصراللهی در این باره گفت: «در جلسه امروز دادگاه مطبوعات، آقایان صادق زیباکلام و محمدرضا ساعدی (مدیرمسئول «جهان صنعت») به اتهام «انتشار مطالب خلاف واقع» در شماره ۲۸ آبان‌ماه ۱۴۰۱ این روزنامه محاکمه شدند.» سخنگوی هیئت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی گفت: «اعضای هیئت منصفه بعد از شنیدن دفاعیات و بحث و بررسی، آقایان صادق زیباکلام و محمدرضا ساعدی را با اکثریت آراء مجرم شناختند و مستحق تخفیف ندانستند.» نصراللهی در پایان گفت: «رای دادگاه رسیدگی به پرونده اتهام‌های آقایان محمدرضا ساعدی و صادق زیباکلام که به ریاست قاضی جواهری در شعبه یک دادگاه کیفری یک برگزار شد، متعاقباً صادر خواهد شد.»



روز تلخ روزنامه نگاری

پیرمحمد ملازی، روزنامه‌نگار پیشکسوت و تحلیلگر مسائل شبه‌قاره، همچنین ناهیدموسوی از روزنامه‌نگاران قدیمی درگذشتند. ناهیدموسوی از روزنامه‌نگاران قدیمی بود که سال‌ها در مجلات معروف گزارش می‌نوشت. او در ۷۰ سالگی درگذشت. موسوی کار روزنامه‌نگاری را با مجله «تهران مصور» آغاز کرد و پس از آن با مجلات «آدینه»، «دنیای سخن»، «فیلم»، «زنان»، «زن امروز»، «جامعه سالم» و «پیام امروز» همکاری کرد. پیرمحمد ملازی نیز فعالیت رسانه‌ای خود را با مجله «زنجانی» در سال ۱۳۴۶ در تهران آغاز کرد و چند سال بعد توانست به رادیو و سپس تلویزیون راه یابد. او در سال ۱۳۵۹ به بخش برون مرزی صداوسیما منتقل شد. ملازی در دهه ۷۰ از تلویزیون بازنشسته شد و فعالیت‌های مطبوعاتی خود را به عنوان کارشناس افغانستان و هندوستان آغاز کرد. او در سال‌های اخیر با بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کرد و در ۷۸ سالگی درگذشت.

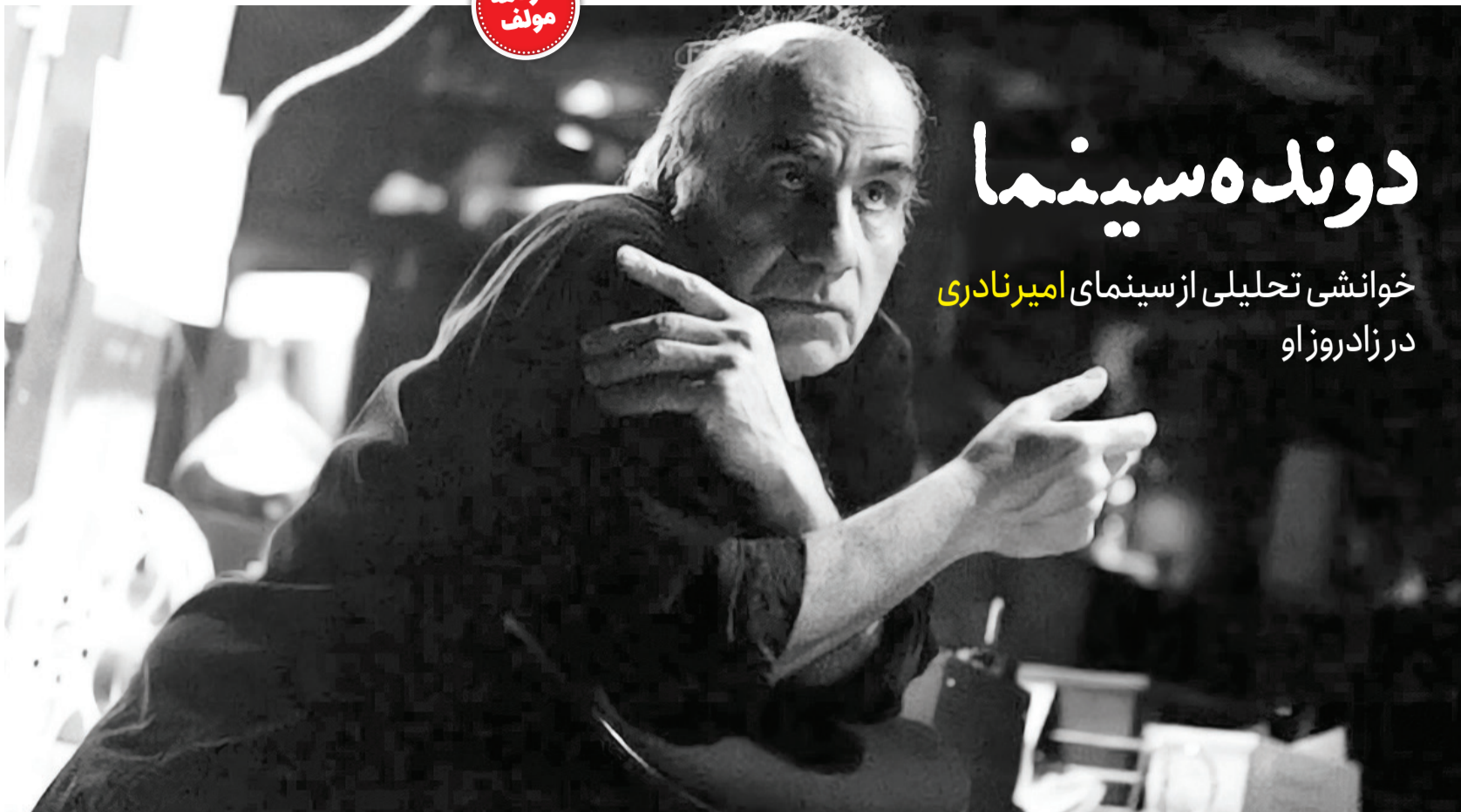


بزگداشت بیثا فرهی در پاریس

شش ماه پس از درگذشت بیثا فرهی، بازیگر سرشناس سینمای ایران، در شهر پاریس، پایتخت فرانسه، مراسمی برای بزرگداشت او برگزار شد. این مراسم همزمان با اختتامیه هفتادوهمین دوره جشنواره جهانی فیلم کن برگزار شد و با نمایش فیلم «هامون» به نویسندگی و کارگردانی زنده‌یاد داریوش مهرجویی با زیرنویس فرانسوی همراه بود. این مراسم به همت تلاش مهسا فریسی، دختر بیثا فرهی برگزار شد و طی آن بسیاری از عوامل سینمای فرانسه، از جمله منتقدان و نویسندگان حضور داشتند. بیثا فرهی که در سینمای بعد از انقلاب ایران با فیلم «هامون» به شهرت رسید و در اکثر فیلم‌هایش نقش زنی مستقل و متکی به خود را ایفا می‌کرد، متولد سال ۱۳۳۷ بود و چهارم آذرماه ۱۴۰۲ در ۶۵ سالگی از دنیا رفت. «هامون»، «برادرم خسرو»، «دوران عاشقی»، «در انتظار معجزه»، «خاک آشنا»، «خون بازی»، «خانه‌ای روی آب»، «اعتراض»، «کیمیا»، «بانو»، «الامینور» و... از جمله فیلم‌های سینمایی‌ای بود که بیثا فرهی در آن‌ها به ایفای نقش پرداخت.

دونده سینما

خوانشی تحلیلی از سینمای امیر نادری در زادروز او



کارنامه مولف

سازدهنی را به دست می‌آورد، تبدیل به آدم قلدری می‌شود که از طریق این سزا با عنصر مدرن بقیه بچه‌ها را استثمار کند. امیر، یکی از بچه‌های محله‌های حاشیه‌ای شهرهای جنوبی در این فیلم که می‌تواند تصویر کودکی امیر نادری هم باشد، شیفته سازدهنی می‌شود. وقتی عدلو متوجه این شیفتگی می‌شود، سعی می‌کند تا حد امکان از امیر سوءاستفاده و استثمارش کند. تا حدی که وقتی می‌خواهد به مدرسه برود از امیر سوءاستفاده می‌کند و پشتش سوار می‌شود و مثل حیوان یا او برخورد می‌کند. در واقع نادری در «سازدهنی» بحث استثمار، فاصله طبقاتی و تحقیر را در یک جامعه نابرابر به تصویر می‌کشد و توصیه می‌کند تا تن به این حقارت ندهیم. در انتهای فیلم، امیر و «سازدهنی» را از عدلو می‌قایلد و در دریا می‌اندازد تا نشانه‌تن ندانن به تحقیر باشد.

تنگنا: سینمای خیابانی

«تنگنا» یکی از مهمترین فیلم‌های امیر نادری با همان مولفه‌های سینمای اوست. این فیلم در نظر سنجی منتقدان و نویسندگان ماهنامه سینمایی فیلم به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران انتخاب شده است همچنان که آن را به عنوان یکی از مصادیق سینمای خیابانی می‌شناسند. در یک سال بیلیارد، چند قمارباز حرفه‌ای به بازی مشغولند. علی خوشدست و سه برادر؛ اکبر، حسن و نبی و چند نفر دیگر سرگرم بازی هستند و بر بازی نظارت دارند. سه برادر در آخرین دور بازی به علی خوشدست می‌بازند. آن‌ها از پرداخت پول باخته، خودداری می‌کنند. بین علی و دوستش رضا از یک سو و سه برادر نزاع در می‌گیرد. علی ناخواسته مرتکب قتل حسن می‌شود و دوستش یا به فرار می‌گذارد. خود او نیز می‌گریزد و دوباردر مقتول در تعقیب او در کوچه پس‌کوچه‌ها، زیالهدانی‌ها و خرابه‌های شهر روان می‌شوند. فیلم البته در گیشه موفق نبود. دلایل ناکامی فیلم در گیشه، روشن است: تلخی بیش از حد داستان، سیاهی کم‌وبیش حققان آور فضایش از جمله پایان بسیار تیره‌وتارش و تهی بودن فیلم از هر نور امید؛ ویژگی‌هایی که در مرثیه به نهایت رسید و شاید به همین دلیل امیر نادری در حقیقت چاره‌ای جز تغییر رویکردش به سینما نداشت. حضور ضدقهرمانی تمام‌عیار در کانون فیلم که هیچ‌یک از ویژگی‌های «آرتیستی» مردم‌پسند را ندارد نیز عامل مؤثری بود؛ در کنار این حقیقت که در تابلوی واقع‌گرایانه‌ی فیلم از آدم‌های حاشیه اجتماع، شخصیت واقعاً مثبتی وجود ندارد و با عده‌ای قمارباز، جاقوکش، لات‌های حقیر، فاحشه‌ای درجه‌چندم و کلامردمی از فرودست‌ترین طبقات جامعه سروکار داریم و البته خالی بودن فیلم از عناصر مردم‌پسندی مثل رقص و آواز، زدوخورد‌های آن چنانی، برهنگی و... فیلمی که بیشترین آورده را برای سعید را داشت. علی خوشدست، شخصیت اصلی فیلم، به شمایل سینمایی سعید راد بدل شد. سعید راد بعد از بازی در این فیلم، همراه بهروز وثوقی به بازیگران اصلی موج نوی دهه ۵۰ تبدیل شد. زمانی که «تنگنا» نمایش داده می‌شود، یکی از اساتید دانشگاه این فیلم را دروغ می‌داند و می‌گوید، در پرتو انقلاب سفید مردم در رفاه هستند و «تنگنا» سیاه‌نمایی‌ای بیش نیست. این حرف‌به گوش امیر نادری می‌رسد. او بل‌روز تاکسی می‌گیرد و استاد دانشگاه را با خود به محله‌های فقرنشین که لوکیشن فیلم بوده، می‌برد و از او می‌پرسد این واقعیت هست یا نه؟ اینها حقیقتی است که من دست‌کاری نکردم. امیر نادری در سال ۵۲، سه فیلم «تنگسیر»، «تنگنا» و «سازدهنی» را در فضاهای متفاوت ساخت که هر سه فیلم در مورد مبارزه با ستم و ظلم است. سه فیلمی که هرکدام برنده با نامزد جوایز مختلفی در

سینمای ایران است. فیلم درباره ناصر، جوان هفت خطی است که می‌خواهد آخرین دزدی زندگی‌اش را انجام دهد و بعد از این کار دست بکشد. او با دو نفر از دوستانش به سرقت از یک جواهرفروشی دست می‌زند. خسرو پس از سرقت تصمیم می‌گیرد جواهرات را به‌تنهایی تصاحب کند. نادری در «خداحافظ رفیق» به خوبی ردپای فقر و نداری و تراژدی فرودستی را به تصویر می‌کشد و روحیات این طبقه را با توجه به خاستگاه اجتماعی‌شان به‌درستی روایت می‌کند. او قبل از اینکه فیلم «خداحافظ رفیق» را بسازد، فیلم‌نامه‌ای نوشته بود با نام «تجربه» که کبارستمی آن را ساخته است. فیلمی درباره تمایلات و روحیات یک نوجوان شهرستانی در تهران بزرگ و نابرابری‌ها و نابسامانی‌هایی که در زندگی می‌بیند. «خداحافظ رفیق» را می‌توان در ذیل ژانر سرقت هم قرار داد اما بیشتر با یک فیلم اجتماعی و آسیب‌شناسانه مواجه هستیم که به قواعد ژانری پایبند نیست. فیلم درباره دزدی از سر ناچاری و تلاقی درآوردن فقر سر آدم‌های پولدار است و تأثیرات فاصله و شکاف طبقاتی بر زیست اخلاقی طبقه فرودست را نشان می‌دهد. از این‌رو امیر نادری را می‌توان در فهرست فیلمسازانی قرار داد که نسبت به جامعه خود دغدغه داشت و به مسائل اجتماعی در فیلم‌های خود می‌پرداخت.

تنگسیر: اثری اقیباسی و اعتراضی

امیر نادری در فیلم «تنگسیر» سراغ اقیباس ادبی می‌رود. البته داستان بلند «تنگسیر»، نوشته صادق چوبک شامل ۱۳ فصل است که می‌توان گفت، تمام فصل‌های کتاب با حذف‌هایی کوتاه در فیلم امیر نادری به تصویر کشیده شده است. قهرمان اصلی که زار ممد نام دارد، در کتاب و فیلم در انجام یک کار مشخص به یک شیوه عمل می‌کند. تنگسیر، به اهالی و ساکنان شهرستان تنگستان در استان بوشهر می‌گویند. زار ممد به‌دلایلی برای گرفتن طلبش از آقا علی وکیل، عبدالکریم حاج حمزه، ابول‌گنده رجب و شیخ ابوتراب برازجانی اقدام می‌کند. آن‌ها زار ممد را مسخره می‌کنند و می‌گویند که سرمایه‌اش در معامله نابود شده است. زار ممد، تنگن قدیمی و تتر زنگ‌زده‌اش را از زیر خاک بیرون می‌آورد و پس از خداحافظی از همسرش درصدد انتقام برمی‌آید. اما مهمتر از اقتباسی بودن باید از اعتراضی بودن فیلم گفت. یک جاشویی کشتنی که آدم فقیر و نادری است، از کسی طلبی دارد اما این طلب به او داده نمی‌شود، چون پشت آن شخص به بزرگان قوم از روحانی تا کدخدای گرم است و در نتیجه این ظلم و ستم، باعث عصبان او می‌شود. عصبان او علیه همه آدم‌های بزرگ و موثر جامعه است که باعث و بانی بدبختی و تیره‌روزی او شدند. زار ممد بعد از شورش که علیه بزرگان قوم می‌کند به‌سوی دریا می‌رود و به‌نوعی در دریا مستغرق می‌شود. برخی از منتقدان ارزش فیلم را در همین لحن و رویکرد اعتراضی آن دانسته و معتقدند که از حیث سینمایی، ضعیف‌ترین فیلم نادری در کارنامه‌اش است که انسجام لازم را ندارد.

سازدهنی: علیه حقارت

«سازدهنی»، نخستین فیلم امیرنادری در ژانر کودک و نوجوان است و البته یکی از مهمترین آنها و یکی از بهترین فیلم‌هایی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تولید شد. فیلم درباره تضاد طبقاتی است که نادری در فیلم‌های دیگرش هم به آن پرداخته بود اما در اینجا با زیست یک نوجوان گره می‌خورد. قصه از این قرار است که پدر یکی از بچه‌ها که رفت‌وآمد به کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد برایش سازدهنی آورده، این بچه لوس و نر-عدلو-وقتی



رضا صائمی

منتقد سینما

هفتم خردادماه زادروز امیر نادری فیلم‌ساز و نویسنده ایرانی است. گرچه نام «امیر نادری» با جریان موج نو سینمای ایران گره خورده و به‌عنوان یکی از فیلمسازان صاحب‌سبک و تأثیرگذار شناخته می‌شود اما او سینما را از پایین‌ترین سطوح شغلی آغاز کرده و با کارهایی مانند تخمه‌فروشی جلوی در سینما، کنترلچی سالن سینما و آپاراتچی، سینما را در آبادان تجربه کرد. نادری از ۱۲ سالگی با تماشای فیلم‌های خارجی در سینمای آبادان، به سینما و نمایش علاقه پیدا کرد و بعد در تئاتر حافظ آبادان نقش‌هایی کوتاه از بچه‌ها را بازی می‌کرد. پیش از اینکه پشت دوربین فیلمبرداری قرار بگیرد، پشت دوربین عکاسی ایستاد و کار در سینما را با عکاسی فیلم «قیصر»، «حسن کچل» و «پنجره» آغاز کرد. گرچه آشنایی‌اش با علیرضا زربین دست به‌عنوان فیلمبردار نامدار، پای او را به سینما باز کرد. نادری پیش از این آشنایی، با برادرش در تهران و در چند عکاس‌خانه کار کرده بود تا پیش از اینکه نخستین حضور حرفه‌ای‌اش را در سینما تجربه کند، با سینما و ابعاد مختلف آن آشنا شود و از عکاسی فیلم به کارگردانی فیلم برسد تا نخستین فیلمش را در سال ۵۰ با نویسندگی و کارگردانی فیلم «خداحافظ رفیق» تجربه کند. یکی از مهمترین ویژگی‌های او را می‌توان تجربه‌گرایی در سینما دانست به این معنا که از کودکی در سالن سینما و تئاتر مشغول به کار بود و با دیدن فیلم و نمایش، خواندن نقد فیلم و معاشرت با منتقدان، بدون تحصیلات سینمایی و به‌صورت تجربی وارد سینما شد اما فیلم‌هایی ساخت که مورد توجه و تحسین منتقدان و البته جشنواره‌های جهانی قرار گرفت. فیلم‌های «تنگسیر»، «دونده» و «سازدهنی» او هنوز هم در فهرست فیلم‌های برتر تاریخ سینمای ایران شناخته می‌شود. حتی «دونده» از سوی تعدادی از منتقدان در فهرست یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های ربع قرن اخیر معرفی شد. یکی از فیلم‌های مهجور نادری، «ماه» نام دارد که ۲۰ سال درباره موضوع این فیلم کار کرده و یک دلیل مهاجرت او از ایران به آمریکا، ساختن فیلم «ماه» بوده است. نادری همچنین برای فیلم «وگاس» براساس یک داستان واقعی» نامزد جایزه شیر طلایی از شصت‌ونهمین جشنواره فیلم ونیز در سال ۲۰۰۸ شد و برای فیلم‌های «دونده» و «آب، باد، خاک» در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۹ برنده جایزه بالن طلایی جشنواره فیلم سه‌قاره نانت شد. امیر نادری نه‌فقط سینما را از پایین‌ترین سطوح آن شروع کرد که خود نیز در طبقه فرودست جامعه زیسته بود و جنوب‌شهر و قشر ضعیف جامعه را خوب می‌شناخت. رد این شناخت را می‌توان در بازنمایی تأمل‌برانگیز او از این طبقه و مسائل‌اش در فیلم‌هایش دید. یکی می‌گفت هر کس دیگری اگر جای نادری در آن محیط زندگی می‌کرد و بزرگ شده بود یا قاچاقچی می‌شد یا قاتل. او اما بدون سواد آکادمیک و مدرک دانشگاهی، به یکی از تأثیرگذارترین فیلمسازان در سینمای ایران تبدیل می‌شود. در ادامه این گزارش به خوانش تحلیلی کارنامه او می‌پردازیم.

خداحافظ رفیق: اولین فیلم ضدقصه

«خداحافظ رفیق» را می‌توان مصادیقی از تجربه‌گرایی امیرنادری دانست که با هزینه کمی ساخته شد، اما الگوی تازه‌ای را در روایتگری به سینمای ایران معرفی کرد. فیلمی که به باور بسیاری از منتقدان، نخستین فیلم ضدقصه در

